

وفای بعهد

شاید تا کنون بسیاری مردمان فهمیده و دانشمند مطالب زیادی راجع به محاسن وفای بعهد و مضرات تخلف از پیمان بیان کرده و یا بصورت منشآت در اختیار مردم گذاشته اند ولی اهمیت موضوع بعهدی است که هر چه بیشتر در این باره بحث کنند و تدبیر بدهند منافع اجتماعی آن بیشتر خواهد بود.

عهد و پیمان باید با تفکر و عقل سالم و تعمق زیاد و بر پایه صحیح استوار باشد و آنانکه عهد میبندند منظورشان رفاه اجتماع باشد، عهدی که از اجرای آن سودی عاید خلق نشود بی حاصل و در پیشگاه عدل الهی مردود است.

غنچه های اجتماع همانه موقع که دره حوطه دبستان یا دبیرستان مشغول بازی یا قدم زدن و یاسر گرمی درس خواندن هستند گاهی برخی از آنان سیل پیدا میکنند که باهم قراری بگذارند و پیمانی ببندند، متعهد میشوند که در زندگی همدیگر را فراموش نکرده و در هر شغلی که داشته باشند دوستان دوران تحصیل خود را یاد کنند و همین اتحاد لطیف

و بیشائبه‌ها بی‌روی نمایند. این عهد و پیمان در هر مرحله و هر سن ممکنست بین اشخاص منعقد گردد و هر چه سنین عمر بالاتر باشد طرفین پیمان قوی‌الاراده و متفکر باشند چون تجربیات و رشد عقلی بیشتر میشود و تفکر زیادتر تراوش دارد اهمیت پیمان و نتیجه آن مهمتر و عالیتر خواهد بود. کما اینکه پیمبران الهی که بدون شک مردمانی متفکر و فوق العاده بوده اند عهدشان با پروردگار بر پایه صحیح استوار شده پیمان را محترم شمرده و وفای بعهد نموده‌اند و اجتماع از آن بهره برداری کرده است. بدین طریق که بیشتر مردم را از گمراهی و بیچارگی نجات داده‌اند.

حضرت ابراهیم (ع) در اجرای اوامر یزدانی شور و شوقش بحدی رسید که با اینکه مرگ خود را مسام میدید و میدانست که غضب اهل‌الی‌یک شهر حتی نزدیکترین کسانی بر علیه او مشتعل خواهد شد عهده‌دار شکستن بتها کوتاهی نکرد و روزی که بخارج رفته بودند تمام بت‌های بتخانه را با سنگهای بت بزرگ شکست و در انجام این کار هر اس و تر دید بخود راه نداد و چنانکه در شرح زندگی آن بزرگ مرد خدائی نوشته‌اند در هنگام بازگشت اهل‌الی‌شهر و بهت فوق العاده آنها با کمال شهامت ایستادگی کرد و سخن گفت و چون آتش افروخته او را در آن افکندند با کمال صبر و تسلیم این شکنجه در راه خدا را تحمل نمود.

حضرت موسی (ع) ناچار بود برای تبلیغ خداشناسی با فرعون و یاران قدرتمند او مبارزه کند و تمام سخنان هدایت آمیزش در جهت مخالف منافع اقویای زمان بود و با اینحال در ابلاغ آن کوچکترین

تردیدى بخودراه نداد . با همه مصائبى که بر او وارد میشد و با تمام گرفتاریهائی که داشت که تحمل آن از قدرت سا برین مخارج بود بهمراه یکنفر معینى ویاور خود (هارون) در مقابل قدرت فرعون ایستاد گى کرد و آنقدر کوشید تا قوم خود را نجات داد و خدا شناسى و خدا پرستى و اخلاق نیکورا جایگزین پستى و رذالت که آن زمان حکم مرما بود ساخت .

حضرت عیسی (ع) تنها و بدون کمک معمولی با همه خشونتیهائی که از رومیان و مردم میدید جز روى خوش و محبت و تبلیغ راه راست بآنان پاسخی نمیداد . آنقدر آزارش کردند که میگویند از دست نادانان بکوه میگریخت . زندان شکنجه و اعدام اورا از عهدى که با خدای خود بسته بود منصرف نکرد و استقامت و وفادارى خود را بمنتهای درجه نشان داد حضرت محمد صلی الله علیه و آله بزرگ پیامبر اسلام بشرحی که درسیره اش میخوانیم آزارها ورنجها دید و از نزدیکترین کسان خود و حتی از عمویش نیمه بریها کشید ، از قبیلهاش فشارها بر او وارد آمد ، مردم باو توهینها و آزارها کردند . جنگها کرد و سختیهای فراوان متحمل گردید . با اینها دست از وظیفه پیامبرى نکشید .

این بزرگ مردان پیمان مقدس خود را با پروردگار لایزال آنى از نظر دور نداشته چنان محترم و مقدس میشمردند که در مقابل حفظ آن سر و جان و زندگی و آسایش وزن و بچه و عیال بسیار ناچیز بنظرشان میرسید و سر عظمت و بزرگى آنها درهمین است . و اینکه نام نامیشان پس از قرنهای گذشت زمان باقیمانده و میلیاردها از افراد بشر به پیروی آنها افتخار میکنند در حالیکه میلیونها فرد از متمولین و بزرگان و جباران عالم نامشان از صفحه تاریخ محو شده خود دلیل بارزى از عظمت مقصد

و قدرت استقامت آنها در حفظ پیمان است . پیمان بران الهی در اجرای او امر یزدانی کوشا بوده و او رمادی و شهوات نفسانی نتوانسته است آن را در مران عالیقدر از وظیفه مقدسشان منحرف و بازدارد . در حقیقت از غفلت و خودخواهی احتراز میجسته اند زیرا میدانسته اند که شکستی عهد و پیمان امری برخلاف و جز بدبختی و گمراهی نتیجه ای نخواهد داشت لذا تمام زندگی خود را صرف اصلاح و پیشرفت جامعه کرده و پیر و احساسات و خواهشهای نفس نشده اند . کوشش و فعالیت تمام این برگزیدگان برای شناسائی واحدیت و وحدت بوده است .



فکر حسن و فتح دام و دانه باش	عهد خواهی بست؟ همان فرزانه باش
پایداری میکن و مردانه باش	چونکه بستی عهد از سستی گریز
دور از این نامناسب خانه باش	خانه ذلت نشاند نقص عهد
خلق را سرمشوقه افسانه باش	با صفا میباش در راه ثبات
خود دوای صبر را پیمانه باش	بگذر از افراط در راه هوس
یاوه گوئی رازین بیگانه باش	از بداندیشی دلا پرهیز کن
در ره مهر و وفا جانانه باش	تابکی بسا دوستان بیگانگی
یا که اندر وصل چون پروانه باش	یا بسوز از جور یار و از فراق
دانش امروز را در دانه باش	زیب انسان خلعت دانش بود
پا ز سر شناس وهم مستانه باش	عشق وحدت بی مهابا پیشه ساز
در طریق عشق حق دیوانه باش	پند اشرف را شنو از جان و دل